****

[تتمه بررسی وثاقت محمد بن سنان 1](#_Toc488246582)

[روایات مدح محمد بن سنان 2](#_Toc488246583)

[بررسی وثاقت علی بن ابی حمزه بطائنی 4](#_Toc488246584)

[**(مسألة 351)** 4](#_Toc488246585)

[بررسی کفاره جماع بین سعی و تقصیر در عمره تمتع 4](#_Toc488246586)

**موضوع**: احکام تقصیر /تقصیر /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## تتمه بررسی وثاقت محمد بن سنان

گفتیم کلمات رجالیون در رابطه با ایشان متفاوت است و نوعا وی را تضعیف کرده اند ولی شیخ مفید در ارشاد وی را شدیدا توثیق کرده و خودش در رساله عددیه وی را متفَق اصحاب بر متهم بودن دانسته و لذا تعارض بین توثیق و تضعیفات می شود. شیخ نیز در کتاب الغیبه وی را از سفراء ممدوحین ائمه شمرده، با این که در رجال و تهذیب و استبصار وی را شدیدا تضعیف کرده است. احمد بن محمد بن عیسی که سختگیر بوده، از رواة محمد بن سنان است و از طرفی فضل بن شاذان می گوید وی از کاذبین معروف و مشهور بوده، و لکن بعد از مرگ من می توانید احادیث من از او را نقل کنید و دیگر مستند به من نخواهد بود که دیگران اغراء به جهل شوند. ابن غضائری که رجال وی را آیت الله سیستانی قبول دارد نیز وی را اهل وضع حدیث می داند.

در نتیجه در مورد وی تعارض می شود، و لکن گفته می شود روایاتی در جلالت قدر وی وارد شده است که یکی از آن ها صحیحه است:

### روایات مدح محمد بن سنان

روایت اول مرسله: مرسله علی بن الحسین بن داود القمی

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ قُولَوَيْهِ، قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ دَاوُدَ الْقُمِّيِّ، قَالَ‏، سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِيَ (عليه السلام) يَذْكُرُ صَفْوَانَ‏ بْنَ يَحْيَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ سِنَانٍ بِخَيْرٍ، وَ قَالَ: رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا بِرِضَايَ عَنْهُمَا فَمَا خَالَفَانِي قَطُّ، هَذَا بَعْدَ مَا جَاءَ عَنْهُ فِيهِمَا مَا قَدْ سَمِعْتَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا.[[1]](#footnote-1)

روایت دوم: صحیحه عبد الله بن صلت القمی

عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ الْقُمِّيِّ، قَالَ‏ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (عليه السلام) فِي آخِرِ عُمُرِهِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: جَزَى اللَّهُ صَفْوَانَ بْنَ يَحْيَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ سِنَانٍ وَ زَكَرِيَّا بْنَ آدَمَ عَنِّي خَيْراً فَقَدْ وَفَوْا لِي‏ وَ لَمْ يَذْكُرْ سَعْدَ بْنَ سَعْدٍ، قَالَ، فَخَرَجْتُ فَلَقِيتُ مُوَفَّقاً، فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ مَوْلَايَ ذَكَرَ صَفْوَانَ وَ مُحَمَّدَ بْنَ سِنَانٍ وَ زَكَرِيَّا بْنَ آدَمَ وَ جَزَاهُمْ خَيْراً، وَ لَمْ يَذْكُرْ سَعْدَ بْنَ سَعْدٍ! قَالَ، فَعُدْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: جَزَى اللَّهُ صَفْوَانَ بْنَ يَحْيَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ سِنَانٍ وَ زَكَرِيَّا بْنَ آدَمَ وَ سَعْدَ بْنَ سَعْدٍ عَنِّي خَيْراً فَقَدْ وَفَوْا لِي‏.[[2]](#footnote-2)

سند این روایت صحیح است، زیرا بر سند حدیث قبل تعلیق شده است و لذا راوی از عبد الله بن صلت، احمد بن محمد بن عیسی می شود که در سند روایت قبل است.

روایت سوم: روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ قُولَوَيْهِ، قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدٌ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ‏، أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) كَانَ لَعَنَ صَفْوَانَ بْنَ يَحْيَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ سِنَانٍ، فَقَالَ: إِنَّهُمَا خَالَفَا أَمْرِي، قَالَ، فَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلٍ، قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) لِمُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ الْبَحْرَانِيِّ تَوَلَ‏ صَفْوَانَ‏ بْنَ يَحْيَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ سِنَانٍ فَقَدْ رَضِيتُ عَنْهُمَا.[[3]](#footnote-3)

این روایت به نظر ما مشکل سندی دارد، چون وثاقت احمد بن هلال ثابت نیست، اما سند حدیث دوم صحیح است و گفته شده فقد وفوا لی دلیل بر توثیق محمد بن سنان است.

اما ما دلالت روایت دوم را بر مدعی قبول نداریم، زیرا:

اولا: تضعیف رجالیون کشف می کند که یا امام علیه السلام وی را تایید نکرده و اگر هم تاییدی کرده به معنای توثیق نیست، و ممکن است این ها فداکاری عملی برای مقام امامت کرده باشند، ولی ثقه نباشند.

ثانیا: سلمنا، و لکن تضعیف رجالیون با این خبر ظنی الصدور معارضه می کند، ما که قطع به این نداریم که امام علیه السلام فرموده باشد جزی الله محمد بن سنان فقد وفی لی، و لذا تعارض ثلاثی می شود، زیرا علم اجمالی به کذب احد الخبرین داریم، یا تضعیف یا توثیق روایی.

ان قلت: خبر رجالیون اجتهادی است و با خبر حسی تعارض نمی کند.

قلت: فرض این است که خبر رجالی را حجت دانسته ایم، بله، اگر ما شهادت رجالیون را از باب افاده وثوق و اطمینان حجت بدانیم، نه از باب شهادت اهل خبره یا حجیت خبر ثقه، و در خبر از امام علیه السلام، صرف خبر ثقه را حجت بدانیم، در این صورت جا دارد که گفته شود تضعیف رجالیون در مقابل خبر از امام علیه السلام تعارض نمی کند، چون خبر از امام علیه السلام از باب خبر ثقه حجت است، اما تضعیف رجالیون از باب حصول وثوق است و برای ما وثوق حاصل نمی شود.

اما کسانی که مطلقا ملاک حجیت را خبر ثقه یا وثوق می دانند، وجهی برای تقدم خبر امام علیه السلام وجود ندارد.

## بررسی وثاقت علی بن ابی حمزه بطائنی

شیخ طوسی در عده گفته: عملت الطائفة بما رواه علی بن ابی حمزة البطائنی، اما ابن فضال گفته کذاب ملعون و این ها با هم تعارض می کند.

مرحوم امام فرموده وی ثقه نیست، ولی علماء به روایات او عمل کرده اند و ما هم عمل می کنیم، اما واضح نیست که عمل علماء حتی در صورتی باشد که وی را ثقه ندانسته باشند، این که خیلی بعید است، بلکه معلوم می شود نهایتا او را ثقه می دانستند و فساد مذهب وی را مانع نمی دانستند، و لذا باز هم تعارض تضعیف و توثیق می شود.

ولی چون احتمال عرفی نیست که تضعیف او به لحاظ قبل از زمان وقف او باشد، بلکه ظاهر این است که کذاب بوده یعنی دروغ بزرگی گفته که همان عقیده فاسده اش باشد، استصحاب بقاء وثاقت وی قبل از وقف می شود، چون بعد از این که صحیحه حمیری گفت خبر ثقه حجت است، استصحاب می تواند موضوع آن را اثبات کند.

لذا به نظر ما سند این روایت تمام است، اما چنان که گذشت، دلالت آن مشکل دارد.

**(مسألة 351)**

**إذا جامع بعد السعي و قبل التقصير جاهلا بالحكم‌ فعليه كفارة بدنة على الاحوط‌**.[[4]](#footnote-4)

## بررسی کفاره جماع بین سعی و تقصیر در عمره تمتع

در ارتکاب محرمات احرام از روی جهل و نسیان، اصل اولی عدم ثبوت کفاره است، به سبب روایاتی همچون صحیحه عبد الصمد بن بشیر: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ مَنْ أَحْرَمَ فِي قَمِيصِهِ إِلَى أَنْ قَالَ أَيُّ رَجُلٍ رَكِبَ‏ أَمْراً بِجَهَالَةٍ فَلَا شَيْ‏ءَ عَلَيْهِ.[[5]](#footnote-5)

و صحیحه معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَن‏ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا تَأْكُلْ مِنَ الصَّيْدِ وَ أَنْتَ‏ حَرَامٌ وَ إِنْ كَانَ أَصَابَهُ مُحِلٌّ وَ لَيْسَ عَلَيْكَ فِدَاءُ مَا أَتَيْتَهُ بِجَهَالَةٍ إِلَّا الصَّيْدَ فَإِنَّ عَلَيْكَ فِيهِ الْفِدَاءَ بِجَهْلٍ كَانَ أَوْ بِعَمْدٍ.[[6]](#footnote-6)

اما در جماع قبل از تقصیر در عمره تمتع ولو از روی جهل به حکم باشد، محقق خوئی فرموده احتیاط واجب، اداء کفاره بدنه است به سبب صحیحه حلبی: وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي لَمَّا قَضَيْتُ نُسُكِي لِلْعُمْرَةِ أَتَيْتُ أَهْلِي وَ لَمْ أُقَصِّرْ قَالَ عَلَيْكَ بَدَنَةٌ قَالَ قُلْتُ: إِنِّي لَمَّا أَرَدْتُ ذَلِكَ مِنْهَا وَ لَمْ تَكُنْ قَصَّرَتْ امْتَنَعَتْ فَلَمَّا غَلَبْتُهَا قَرَضَتْ‏ بَعْضَ‏ شَعْرِهَا بِأَسْنَانِهَا فَقَالَ رَحِمَهَا اللَّهُ كَانَتْ أَفْقَهَ مِنْكَ عَلَيْكَ بَدَنَةٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْ‏ءٌ.[[7]](#footnote-7)

محقق خوئی فرموده انها کانت افقه منه، یعنی تو جاهل به حکم بودی، ولی او عالمه به حکم بوده است و با این حال تو باید کفاره بدنه بدهی و مخصص عموم نفی کفاره بر جاهل می شود.

به نظر ما این فرمایش ناتمام است، افقه بودن زن عبید الله حلبی به این سبب بود که وی می دانست اگر ابزار تقصیر نباشد، با دندان هم می شود تقصیر کرد و لازم نیست قیچی در اختیار داشته باشد، اما عبید الله حلبی فکر می کرد باید با ابزار تقصیر، تقصیر کند و لذا امام علیه السلام بلافاصله فرمود رحمها الله.

ان قلت: تقصیر که زمانی نمی برده که خودش را گرفتار کند، بلکه بعد از اتمام سعی در عمره تمتع، هر جا می توانسته تقصیر کند، پس چگونه جماع که حرام بزرگی است را انجام داده است؟

قلت: جلالت قدر عبید الله حلبی را اگر مد نظر دارید، که بالاخره این کار را کرده است و بعد هم شاید ابزار تقصیر در اختیار نداشته است و شاید جماع در حال احرام نیز شدت حرمتش بر آن ها واضح نبوده باشد و لذا وجهی ندارد از عموم ای رجل رکب امرا بجهالة فلاشیء علیه رفع ید کنیم. و حداقل این روایت ظهور در جهل وی به حرمت جماع قبل از تقصیر ندارد، در حالی که حتی اگر اطلاق هم نسبت به جهل می داشت، عموم ذیل صحیحه عبد الصمد بن بشیر بر آن حاکم بود.

1. [رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال النص 502 ما روي في صفوان بن يحيى بياع السابري و محمد بن سنان و زكريا بن آدم و سعد بن سعد القمي ..... ص : 502](http://lib.eshia.ir/10241/1/502) [↑](#footnote-ref-1)
2. [رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال النص 503 ما روي في صفوان بن يحيى بياع السابري و محمد بن سنان و زكريا بن آدم و سعد بن سعد القمي ..... ص : 502](http://lib.eshia.ir/10241/1/503) [↑](#footnote-ref-2)
3. [رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال النص 503 ما روي في صفوان بن يحيى بياع السابري و محمد بن سنان و زكريا بن آدم و سعد بن سعد القمي ..... ص : 502](http://lib.eshia.ir/10241/1/503) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 153‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/151) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص248، أبواب عدم بطلان الصلاة بترک ...، باب30، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/248/%D8%B1%DA%A9%D8%A8) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص69، أبواب لزوم الکفارة فی الصید علی المحرم...، باب31، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/69/%D8%A8%D8%AC%D9%87%D9%84) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص508، أبواب أنه یجزی إبانة مسمی الظفر...، باب3، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/508/%D9%86%D8%B3%DA%A9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-7)